

## رفتار حرفه‌ای وکلای دادگستر و دادگاه‌های انتظامی

### آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای وکلای دادگستری کشورهای عضو اتحادیه اروپا\*

#### ۱. دیباچه

##### ۱.۱) نقش وکیل:

در جامعه مبتنی بر احترام به عدالت، وکیل نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. وظیفه او صرفاً انجام دقیق موضوع وکالت در چارچوب قوانین نیست بلکه در یک حکومت قانون‌مدار، حضور وکیل برای اجرای عدالت و نظارت بر انجام وظایف مجریان آن امری ضروری بوده و دفاع از حقوق و آزادی‌ها نیز به عهده اوست. او می‌تواند هم از طریق مشاوره و هم دفاع از حقوق مراجعینش این وظیفه را انجام دهد.

اهمیت نقش وکیل، تعهدات و تکالیف متنوعی را بر او تحمیل می‌کند که این تکالیف غالباً در موارد زیر نمود پیدا می‌کند:

وظایف و تعهدات وکیل در مقابل:

- مراجعین

- دادگاه‌ها و یا دیگر مراجع ذی‌صلاحی که در آنها به وکالت از موکل اقدام یا

به عنوان مشاور، وی را مساعدت می‌کند.

---

\* - مصوب ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ با اصلاحات ۲۸ نوامبر ۱۹۹۸ لیون. برگردان به فارس آقایان دکتر نصراله قهرمانی و ابراهیم یوسفی محله وکلای پایه یک دادگستری.

- حرفه‌اش به طور عام و همکارانش به طور خاص.  
- جامعه، که ملزم به رعایت قانون نسبت به حقوق شهروندان خود بوده و  
وکالت به عنوان یک شغل مستقل و آزاد در چنین جامعه‌ای وسیله‌ای ضروری  
برای رعایت حقوق بشر در مواجهه با دولت و سایر قواست.

#### ۲.۱) ماهیت مقررات رفتار حرفه‌ای:

۱.۲.۱) مقررات رفتار حرفه‌ای، مجموعه مقرراتی است که آزادانه توسط وکیل به منظور تضمین اجرای شایسته و وظیفه وکالتی وی در نظر گرفته شده و برای حسن جریان امور یک جامعه انسانی ضروری است.  
عدم رعایت این مقررات توسط وکیل دادگستری در نهایت منجر به اعمال یک تنبیه انضباطی نسبت به او خواهد شد.

۲.۲.۲) در این ارتباط هر کانون وکلا براساس سنت‌های خود، مقررات و روش‌های خاص خود را داراست. این روش‌ها منطبق با سازمان، حوزه فعالیت حرفه‌ای کشور عضو، دادرسی‌های قضائی، اداری و قانونگزاری‌های ملی آن کشور می‌باشند و انتزاع آنها از این منابع، هم غیرممکن است و هم غیرمطلوب. تلاش برای وضع مقررات یکسان و کلی نیز در این زمینه ممکن نخواهد کرد زیرا مقررات خاص هر کانون از ارزش‌های مبتنی بر مبانی مشترک خاص آن کانون ناشی می‌شود.

#### ۳.۱) اهداف آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای وکلای اتحادیه اروپا:

۱.۳.۱) گسترش تدریجی اتحادیه اروپایی و فضای اقتصادی اروپایی از یک سو و افزایش روزافزون فعالیت‌های فرامرزی وکلا در داخل فضای اقتصادی اروپا از سوی دیگر به تدوین مقررات متحدالشکل قابل اجرا برای تمامی وکلای فضای اقتصادی اروپا به منظور حفظ منافع عمومی قطع نظر از وابستگی وکلا به کانون‌های متبوعه‌شان را ضروری ساخته است.

۱.۳.۲) سازمان‌های نماینده صنفی وکلا که شورای کانون‌های وکلای اروپایی را تشکیل داده‌اند، می‌خواهند آیین‌نامه حرفه‌ای، ناظر به موارد زیر باشد:

- مقررات مزبور، از این پس، بیانگر اعتقادات مشترک تمامی کانون‌های وکلا اتحادیه اروپایی و فضای اقتصادی اروپایی شناخته شود.

- در کوتاهترین زمان ممکن در دادرسی‌های ملی در فعالیت‌های فرامرزی وکلا اتحادیه اروپایی و فضای اقتصادی اروپایی، قابلیت اعمال پیدا کند.

- در بازنگری قوانین حرفه‌ای داخلی، به منظور ایجاد هماهنگی بیشتر بین کشورهای عضو، می‌خواهند این مقررات مورد لحاظ واقع شوند.

- مقررات حرفه‌ای داخلی اعضا می‌بایست به هر طریق ممکن در راستای انطباق با مقررات حاضر اجرا و یا مورد تفسیر قرار گیرند. تا زمانی که مقررات کانون‌ها با این آیین‌نامه تطبیق داده نشده‌اند، فعالیت‌های فرامرزی وکیل تابع مقررات کانون متبوعه خواهد بود.

#### ۴.۱) صلاحیت نسبی اعمال آیین‌نامه:

مقررات آتی نسبت به وکلای اتحادیه اروپایی و فضای اقتصادی اروپایی آن گونه که در مصوبه ۲۴۹/۷۷-۲۲ مارس ۱۹۷۷ پیش‌بینی شده است، اعمال خواهد شد.

#### ۵.۱) صلاحیت ذاتی اجرای آیین‌نامه:

بدون اینکه در ایجاد هماهنگی کامل بین اخلاق حرفه‌ای کشورهای عضو اتحادیه اروپا خللی وارد شود، مقررات آتی در مورد فعالیت‌های فرامرزی وکیل در محدوده اتحادیه اروپایی و فضای اقتصادی اروپایی اعمال خواهد شد.

منظور از فعالیت‌های فرامرزی عبارت است از:

الف) هرگونه ارتباط حرفه‌ای وکلای کشورهای عضو با هم.

ب) فعالیت‌های وکیل در دیگر کشورهای عضو، حتی اگر وکیل مزبور به آن کشور نرفته باشد.

#### ۶.۱) تعاریف:

در این مقررات اصطلاحات زیر بدین معنا به کار رفته‌اند:

- Etat membre de provenance: یعنی دولت عضوی که کانون متبوعه وکیل بدان تعلق دارد.

- Etat membre d'accueil: یعنی هر دولت عضو دیگری که در محدوده آن، وکیل یک فعالیت حرفه‌ای فرامرزی انجام می‌دهد.

- Autorite competence: یعنی سازمان‌های صنفی یا مراجع صالح دولت عضو که صلاحیت وضع مقررات حرفه‌ای یا اعمال کنترل‌های انضباطی نسبت به وکلای را دارند.

## ۲. اصول کلی

### ۲.۱) استقلال:

۲.۱.۱) کثرت تعهدات و تکالیفی که برعهده وکیل قرار گرفته است، مستلزم وجود استقلال کاملی است که وکیل را از فشارهای وارده علی‌الخصوص فشارهای ناشی از اعمال نفوذهای خارجی و منافع شخصی خود وی، مصون بدارد. این استقلال جهت تضمین اجرای عدالت ضروری است، همان‌گونه که رعایت بی‌طرفی برای یک قاضی ضروری است.

وکیل باید از هر اقدامی که موجب صدمه به استقلال او می‌شود پرهیز کند. او باید همیشه مراقبت کند که در جهت خوشایند موکلش، قاضی و یا دیگر اشخاص، اخلاق حرفه‌ای وکالت را زیرپا نگذارد.

۲.۱.۲) وجود این استقلال در مورد انجام خدمات ترافیعی و غیرترافیعی ضروری است. مشاوره‌ای که وکیل به مراجعه‌کننده‌اش می‌دهد، در صورتی که صرفاً برای خوشایند مراجعین و یا برای حفظ منافع شخصی خود یا ناشی از فشارهای خارجی بوده باشد و در آنها اخلاق حرفه‌ای رعایت نشده باشد، هیچ‌گونه ارزش واقعی ندارد.

### ۲.۲) صداقت و شرافت:

در صورتی که نسبت به شرافت، درستکاری، سلامت و صداقت وکیل تردیدی وجود داشته باشد کسی نسبت به او اعتماد پیدا نخواهد کرد. اخلاق حرفه‌ای، در نهایت

برای جلب اعتماد نسبت به وکیل نقش مؤثری را در جامعه ایفا می‌کند.

### ۲.۳) اسرار حرفه‌ای:

۲.۳.۱) طبیعت حرفه وکالت ایجاب می‌کند که وکیل امین اسرار مراجعین و مرجع مکاتبات محرمانه آنان باشد. بدون تضمین حفظ اسرار، اعتمادی به وجود نخواهد آمد. بنابراین حفظ اسرار حرفه‌ای هم حق و هم تکلیف اساسی وکیل به شمار می‌رود. این تعهد هم به نفع دستگاه قضائی و هم به نفع مراجعین وکیل می‌باشد. بنابراین اجرای این تعهد باید از حمایت دولت‌ها نیز برخوردار باشد.

۲.۳.۲) وکیل باید کلیه اسرار مربوط به اطلاعات محرمانه‌ای را که در چارچوب فعالیت حرفه‌ای‌اش از آنها آگاهی می‌یابد حفظ کند.

۲.۳.۳) این تعهد مقید به زمان خاصی نمی‌باشد.

۲.۳.۴) وکیل باید پرسنل و کلیه اشخاصی را که با او در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای‌اش همکاری می‌کنند ملزم به حفظ اسرار حرفه‌ای کند.

### ۲.۴) رعایت مقررات رفتار حرفه‌ای دیگر کانون‌ها:

در اجرای مقررات اتحادیه اروپایی و فضای اقتصادی اروپایی، وکیل یک کشور عضو را می‌توان به مراعات مقررات حرفه‌ای کانون‌های وکلای دیگر کشورهای عضو ملزم کرد. وکیل ملزم است در انجام فعالیت‌های خاص حرفه‌ای از مقررات حرفه‌ای مربوط به آن فعالیت نیز آگاه گردد.

اعضای شورای کانون‌های وکلای اروپایی ملزم هستند مقررات حرفه‌ای خود را به دبیرخانه شورا ارسال کنند تا وکلا بتوانند از مقررات مذکور با مراجعه به دبیرخانه فتوکپی تهیه کنند.

### ۲.۵) عدم امکان اشتغال به برخی مشاغل:

۲.۵.۱) برای اینکه وکیل بتواند وظایف خود را با استقلال کافی و به گونه‌ای شایسته در جهت تحقق عدالت انجام دهد، باید از اشتغال به پاره‌ای مشاغل که با حرفه وکالت

قابل جمع نیستند پرهیز کند.

۲.۵.۲) وکیلی که به عنوان نماینده یا وکیل مدافع موکلش در مراجع قضائی یا دیگر مراجع عمومی ذیصلاح کشورهای عضو حضور پیدا می‌کند باید مقررات مربوط به عدم اشتغال وکیل به برخی مشاغل غیر قابل جمع با وکالت را که در آن کشور اجرا می‌شود مورد توجه قرار دهد.

۲.۵.۳) وکیلی که در دیگر کشورهای عضو اشتغال دارد و می‌خواهد به فعالیت تجاری و یا هر فعالیت دیگری که قابل جمع با وکالت نیست بپردازد، ملزم است همان گونه که وکلای آن کشور مقررات مربوط به عدم اشتغال به برخی مشاغل مغایر با وکالت را رعایت می‌کنند، او نیز همان مقررات را مورد لحاظ قرار دهد.

#### ۲.۶) تبلیغات شخصی:

۲.۶.۱) جز در حدودی که مقررات کانون متبوعه وکیل اجازه می‌دهد، وکیل نه شخصاً و نه از طریق اشخاص دیگر نمی‌تواند مبادرت به تبلیغ کند.

۲.۶.۲) زمانی که وکیل در نظر دارد به موکلینش اطلاع‌رسانی کند یا تغییر موقت مکانی خود را اعلام نماید و یا در فعالیتش حضور خود را به عنوان وکیل دادگستری اعلام کند، می‌تواند از طریق رسانه‌های عمومی اقدام نماید.

#### ۲.۷) منافع موکل:

وکیل باید با رعایت موازین قانونی و حرفه‌ای به بهترین وجه از حقوق موکلش دفاع کند حتی اگر این کار با منافع خاص خود او یا یک همکار و یا منافع کلی حرفه‌ای او تعارض داشته باشد.

#### ۲.۸) محدود ساختن مسؤلیت وکیل در قبال موکل:

در حدودی که نظام حقوقی کشور متبوعه هر عضو یا نظام حقوقی دیگر کشورهای عضو، اجازه می‌دهند، وکیل می‌تواند مسؤلیت‌ش را در قبال موکلش در چارچوب مقررات حرفه‌ای مربوطه محدود کند.

### ۳. روابط با موکلین

#### ۳.۱. آغاز و پایان روابط وکیل با موکل:

۳.۱.۱) وظیفه وکالتی وکیل از طریق اخذ وکالت از اشخاص موکل یا وکیل توکیلی او و یا تعیین او توسط مرجع ذیصلاح به عنوان وکیل یک شخص معین، شروع می شود. در موارد خاصی که در هويت و صلاحیت شخص موکل یا وکیل توکیلی یا مرجع ذیصلاحی که او را به عنوان وکیل تعیین کرده است ابهامی وجود داشته باشد، وکیل باید به شیوه‌ای معقول نسبت به احراز آن شرایط، اقدام کند.

۳.۱.۲) وکیل باید در اسرع وقت، آگاهانه و با جدیت به مراجعه‌کننده اش مشورت داده و یا از حقوق او دفاع کند، وی شخصاً مسؤول وظیفه‌ای است که به وی اعطاء شده است، او باید مراجعینش را از میزان پیشرفت موضوع وکالت یا مشاوره آگاه سازد.

۳.۱.۳) وکیل نباید مورد وکالتی را که می داند و یا اینکه باید بداند صلاحیت لازم برای انجام آن را ندارد بپذیرد مگر اینکه در آن مورد با یک همکار واجد شرایط همکاری کند. همچنین وکیل نباید مورد وکالتی را که به دلیل تعهدات دیگرش، فرصت انجام آن را ندارد، بپذیرد.

۳.۱.۴) وکیلی که در صدد قطع همکاری با یک موکل برمی آید، باید مطمئن باشد که موکلش در یک زمان معقول از همکاری یک وکیل دیگر برخوردار خواهد شد.

#### ۳.۲. تعارض منافع:

۳.۲.۱) وکیل نباید در یک موضوع مورد اختلاف به عنوان مشاور یا نماینده یا وکیل مدافع چندین نفر که بین آنها تعارض منافع وجود دارد یا احتمال وجود چنین تعارضی را می دهد، ایفا نقش کند.

۳.۲.۲) در موارد زیر وکیل باید از قبول وکالت مراجعین خود پرهیز کند:

- زمانی که احتمال تعارض منافع وجود دارد.

- زمانی که خطر نقض تعهد حفظ اسرار حرفه‌ای وجود داشته باشد.

- زمانی که احتمال خدشه بر استقلال وکالتی او وجود داشته باشد.

۳.۲.۳) وکیل نمی تواند در موردی که اسرار و اطلاعات موکل سابق وی در معرض

افشاء واقع شود و یا اینکه آگاهی وکیل به امور موکل سابق، انگیزه مراجعه موکل جدید به او بوده باشد، وکالت موکل جدید را بپذیرد.

۳.۲.۴ در صورتی که وکلا به صورت جمعی کار می‌کنند، پاراگراف‌های ۳.۲.۱ تا ۳.۲.۳ برای یکایک آنها لازم‌الاجراء است.

### ۳.۳ مشارکت در مدعی به:

۳.۳.۱ وکیل نباید حق الوکاله خود را بر مبنای مشارکت در مدعی به تعیین کند.

۳.۳.۲ مشارکت در مدعی به توافقی است بین وکیل و موکل، قبل از اینکه به طور نهایی موضوع وکالت، به نفع موکل انجام شده باشد. با این توافق، موکل متعهد می‌شود که بخشی از نتیجه دعوی را که می‌تواند وجه نقد یا بخشی از یک مال یا ارزش آن باشد، به وکیل پرداخت کند.

۳.۳.۳ تعیین حق الوکاله بر مبنای ارزش دعوی در دو حالت مجاز است:

الف) مقررات کانون وکلای کشوری که وکیل تابعیت آن را دارد، آن را پذیرفته باشد.  
ب) حق الوکاله مطابق تعرفه قانونی مقرر شده باشد.

### ۳.۴ تعیین حق الوکاله:

۳.۴.۱ وکیل باید موکلش را از میزان حق الوکاله‌ای که مطالبه می‌کند آگاه کند. میزان

این حق الوکاله باید منصفانه و قانونی باشد.

۳.۴.۲ مبنای محاسبه حق الوکاله، مقررات کانون وکلای متبوعه وکیل است مگر

اینکه وکیل و موکل توافق دیگری کرده باشند.

اگر وکیل، عضو چند کانون باشد، مقررات کانون اعمال خواهد شد که روابط وکیل و

موکل با آن، ارتباط بیشتری دارد.

### ۳.۵ اقساط حق الوکاله و هزینه‌ها:

زمانی که وکیل پرداخت اقساطی از هزینه‌ها و حق الوکاله‌ها را مورد مطالبه قرار

می‌دهد، این مقدار نباید از میزان کارهای انجام شده فراتر رود.



در صورت عدم پرداخت قسط مورد مطالبه، وکیل می‌تواند از انجام موضوع وکالت خودداری و یا از وکالت کناره‌گیری کند. در این صورت باید ضوابط بند ۳.۱.۴ را مورد لحاظ قرار دهد.

### ۳.۶) مشارکت در حق‌الوکاله، با شخصی که وکیل نیست:

۳.۶.۱) در مورد حق‌الوکاله، وکیل نمی‌تواند با شخصی که وکالت ندارد مشارکت کند مگر اینکه مشارکت بین وکیل و دیگر اشخاص، در حقوق کشور متبوعه وکیل، مجاز اعلام شده باشد.

۳.۶.۲) قاعده مندرج در بند ۳.۶.۱ در مورد پرداخت وجوه یا تهاتر به عمل آمده توسط وکیل در قبال وراث همکار فوت شده یا شخص وکیل مستعفی که وکیل توکیلی موکل اصلی بوده است، اعمال نمی‌شود.

### ۳.۷) حل موضوع مورد وکالت به نحو مقتضی و از طریق رایه مشورت‌های حقوقی:

۳.۷.۱) وکیل باید با توجه به اهمیت و ارزش موضوع وکالت، راه‌حل‌های مناسبی را به موکل ارائه نماید و در مواقع مقتضی مشاوره لازم را در خصوص اقتضای پیگیری توافق یا هر راه‌حل دیگر جهت حل نهایی دعوی را به او پیشنهاد کند.

۳.۷.۲) هر زمان که موکل نیاز به کسب نظر مشورتی دارد، وکیل باید به مشورت خواهی او پاسخ دهد.

### ۳.۸) سپرده‌های موکلین

۳.۸.۱) هر زمان و به هر طریقی که وکیل، اموالی را به حساب موکل یا اشخاص ثالث به دست می‌آورد (که ذیلاً سپرده‌های موکلین نامیده می‌شود) ملزم است مقررات ذیل را در مورد آنها رعایت نماید:

- سپرده‌های موکلین همیشه در یک حساب باز در یک بانک یا مؤسسه مالی مشابهی که مورد تأیید مقامات صلاحیت‌دار باشد، نگهداری خواهد شد. تمامی سپرده‌ها به چنین حسابی واریز خواهد شد مگر اینکه موکل به طور صریح یا

ضمنی ترتیب دیگری را مقرر کرده باشد.

- هر حسابی که به نام وکیل باز می‌شود تحت عنوان سپرده‌های موکلین بوده و وجوه آن متعلق به موکلین وی می‌باشد.

- موجودی حساب‌هایی که وکیل، وجوه مربوط به موکلین خود را در آن واریز می‌کنند باید همواره معادل کل وجوهی باشد که به حساب موکلین وصول گردیده است.

- تمامی سپرده‌های موکلین باید در اسرع وقت به موکلین یا به ترتیبی که آنها مقرر می‌دارند پرداخت گردد.

- هرگونه پرداختی از محل سپرده موکلین به اشخاص ثالث ممنوع است مگر اینکه مطابق مقررات یا تصمیم دادگاه صالح یا اذن صریح یا ضمنی موکلی که پرداخت از حساب او صورت می‌گیرد، این پرداخت مجاز اعلام شده باشد. ممنوعیت پرداخت شامل موارد زیر است:

الف) پرداخت از سپرده‌های متعلق به یک موکل به موکل دیگر یا هزینه کردن برای امور او،

ب) برداشت از سپرده‌های مربوط به موکلین، تحت عنوان حق الوکاله.

- وکیل باید لیست کامل و دقیقی از تمامی هزینه‌های انجام شده از محل سپرده‌های موکلین را به تفکیک تهیه کرده و به موکلی که آن را مطالبه کرده است تسلیم کند.

- سازمان‌های حرفه‌ای متبوعه وکیل مجاز هستند با حفظ اسرار حرفه‌ای، اسناد مربوط به سپرده‌های موکلین وکیل را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهند تا هم از رعایت مقررات مربوطه اطمینان حاصل کنند و هم متخلف از مقررات مذکور را تنبیه انضباطی نمایند.

۳.۸.۲) وکیلی که در یک فعالیت حرفه‌ای در محدوده دیگر کشور عضو، سپرده‌ای از موکلین خود به دست می‌آورد، باید مقررات مالیاتی و حسابداری مربوط به این قبیل سپرده‌ها را مطابق ضوابط کانون متبوعه خود رعایت کرده، مگر در موردی که ذیلاً ذکر می‌شود، بدیهی است رعایت مقررات بند ۳.۸.۱ برای وی هم الزامی است.

۳.۸.۳) وکیلی که در محدوده دیگر دولت عضو، فعالیت می‌کند می‌تواند با موافقت سازمان حرفه‌ای متبوعه خود و نیز سازمان حرفه‌ای دیگر دولت عضو، بطور موردی تحت مقررات حرفه‌ای دیگر کشورهای عضو قرار می‌گیرد بدون اینکه ملزم باشد مقررات لازم‌الرعایه کانون متبوعه‌اش را در آن مورد خاص رعایت کند. در چنین حالتی وکیل ملزم است با اتخاذ تدابیر لازم به موکلینش اطلاع دهد که وی تابع مقررات کانون دیگری است.

### ۳.۹) بیمه مسؤولیت حرفه‌ای

۳.۹.۱) به دلیل ماهیت و گستردگی خطرات ناشی از فعالیت‌های وکالتی، وکیل باید همیشه مسؤولیت حرفه‌ای خود را در یک حد معقول بیمه کرده باشد.

۳.۹.۲) وکیل در انجام خدمات حقوقی خود در محدوده دیگر کشور عضو، تابع مقررات ذیل می‌باشد:

- وکیل که در کشور دیگر عضو خدمات وکالتی انجام می‌دهد، باید مقررات مربوط به الزام وکلا به بیمه کردن مسؤولیت حرفه‌ای خود را که در آن کشور لازم‌الاجراست، مراعات کند.

- زمانی که وکیل در کشور کانون متبوعه خود، ملزم به بیمه مسؤولیت مدنی حرفه‌ای است و در حال انجام فعالیت حرفه‌ای در دیگر کشور عضو نیز می‌باشد، باید اقدام به افزایش پوشش بیمه‌ای به منظور تحت پوشش قرار دادن مسؤولیت حرفه‌ای فعالیت وکالتی خود در دیگر کشور عضو، نماید.

- در مواردی که مقررات کانون متبوعه‌اش اخذ چنین بیمه‌ای را الزامی نکرده است و یا افزایش پوشش بیمه‌ای، آن گونه که ذکر شد، غیرممکن می‌باشد، وکیل باید مسؤولیت حرفه‌ای‌اش را در دیگر کشورهای عضو در حق موکلین مربوطه در حد مساوی با وکلای آن کشور بیمه کند مگر اینکه این امر غیرممکن باشد.

- درحالتی که وکیل طبق قواعد مذکور نمی‌تواند بیمه مناسبی را اخذ کند، باید موکلینش را از وجود خطرات و احتمال ورود خسارات به واسطه فقد بیمه آگاه کند.

- وکیلی که در دیگر کشور عضو خدمات وکالتی انجام می‌دهد، می‌تواند با

موافقت سازمان حرفه‌ای متبوعه و سازمان حرفه‌ای دیگر کشور عضو به طور موردی، خود را تحت شمول مقررات لازم‌الاجرا مربوط به بیمه مسؤلیت مدنی حرفه‌ای قرار دهد. در این حالت وکیل باید با اتخاذ اقدامات لازم موکلینش را از چنین وضعیتی مطلع کند.

#### ۴. روابط با مرجع قضائی

##### ۴.۱) مقررات حرفه‌ای لازم‌الاجرا در مقام وکیل مدافع

وکیلی که به عنوان وکیل مدافع در یک مرجع قضائی مربوط به دیگر کشور عضو حضور می‌یابد و یا در جریان یک دادرسی در چنین مرجعی مشارکت می‌کند، باید مقررات حرفه‌ای لازم‌الاجرا در آن حوزه قضائی را رعایت کند.

##### ۴.۲) جنبه علنی مذاکرات

وکیل باید در هر شرایطی جنبه علنی مذاکرات را رعایت کند. به عنوان مثال او نمی‌تواند بدون آنکه قبلاً وکیل طرف مقابل را مطلع کرده باشد، با قاضی رسیدگی کننده پرونده، ارتباط برقرار کند. او نمی‌تواند اسناد و لوایحی را به قاضی ارائه دهد مگر اینکه در یک فرصت کافی در این زمینه با وکیل طرف مقابل صحبت کرده باشد. البته اگر مقررات دادرسی لازم‌الاجرای هر کشوری این امر را مجاز اعلام کرده باشد، ممنوعیتی وجود ندارد.

در مواردی که منع صریح قانونی وجود نداشته باشد، وکیل صرفاً با اجازه صریح وکیل طرف مقابل خواهد توانست دادگاه را از طرح پیشنهادی سازش که توسط طرف پرونده یا وکیل وی ارائه شده است، مطلع کند.

##### ۴.۳) احترام به قاضی

وکیل با ابراز احترام و صداقت نسبت به دادگاه باید با در نظر گرفتن وجدان بدون ترس و واهمه و یا لحاظ داشتن منافع شخصی خود یا دیگری و یا به خاطر ترس از احتمال تبعات سوء برای خود یا هر شخص دیگر، از حقوق موکلش دفاع کند.

**۴.۴) اطلاعات نادرست یا شبه‌انگیز**

وکیل هیچ وقت نباید عالماً به قاضی، اطلاعات نادرست یا شبه‌انگیز عرضه کند.

**۴.۵) اجرای این قاعده نسبت به داوران یا اشخاص دیگری که نقش مشابه دارند**

مقررات ناظر به روابط بین وکیل و قاضی، بر روابط وکیل با داور، کارشناس یا هر شخص دیگر که به طور موردی قاضی یا داور را مساعدت می‌کنند، حاکمیت دارد.

**۵. روابط بین وکلا****۵.۱) حسن همکاری**

به منظور حفظ حقوق موکل و احتراز از روندهای نامطلوب مثل سایر موارد مربوط به حفظ حیثیت حرفه‌ای، ضروری است که وکلا براساس اعتماد متقابل با یکدیگر حسن همکاری داشته باشند و در عین حال نباید منافع وکیل و موکل در تعارض قرار گیرد.

۵.۱.۲) وکلای هر کشور عضو نسبت به وکلای دیگر کشورهای عضو، همکار تلقی می‌شوند، لذا باید در روابط با همدیگر همکاری صادقانه داشته باشند.

**۵.۲) همکاری بین وکلای کشورهای عضو**

۵.۲.۱) در صورتی که وکیلی از وکلای یک کشور عضو، به یکی از همکاران در دیگر کشورهای عضو، مراجعه کند و وکیل مورد مراجعه فاقد صلاحیت و توانایی برای انجام کار موضوع پرونده باشد، باید از پذیرش آن کار خودداری کرده بلکه در چنین وضعیتی باید ترتیبات لازم را برای ارتباط دادن آن همکار با یک وکیل واجد صلاحیت فراهم کند.

۵.۲.۲) زمانی که دو وکیل از کشورهای مختلف عضو با هم فعالیت می‌کنند بایستی بین نظام‌های حقوقی مربوط به کشور خود از یک سو و مقررات کانون‌های متبوعه و صلاحیت‌ها و تعهدات حرفه‌ای خود از سوی دیگر هماهنگی لازم را ایجاد کنند.

**۵.۳) مکاتبات بین وکلا**

۵.۳.۱) وکیلی که با یک همکار خود از دیگر کشور عضو مکاتبه کند و انتظار دارد که

مکاتبه مذکور جنبه محرمانه داشته باشد، باید صراحتاً این موضوع را اطلاع آن همکار برساند.

۵.۳.۲ در صورتی که گیرنده پاکت نامه، از حفظ اسرار مربوط به نامه همکار خود عاجز باشد، می‌بایستی بدون باز کردن پاکت، آن را به هزینه خود عودت دهد.

#### ۵.۴ حق الوکاله معرفی

۵.۴.۱ هیچ وکیلی نمی‌تواند از بابت توصیه یا معرفی موکل به وکیل دیگر از آن وکیل یا هر شخص ثالث دیگر وجهی تحت عنوان حق الوکاله یا حق‌المشاوره یا عناوین دیگر مطالبه و یا بپذیرد.

۵.۴.۲ وکیل نبایستی وجهی تحت عنوان کمیسیون بابت معرفی موکل خود، به کسی بپردازد.

#### ۵.۵ ارتباط مستقیم با طرف دعوا

وکیل نمی‌تواند در ارتباط با موضوع دعوی، با شخصی که می‌داند وکیل دارد مستقیماً مکاتبه کند، مگر اینکه طرف دعوا این اجازه را به او داده باشد.

#### ۵.۶ تغییر وکیل

۵.۶.۱ در یک دعوی معین، وکیل برای دفاع از حقوق شخصی که به او مراجعه کرده است، نمی‌تواند جانشین وکیل دیگری شود، مگر اینکه آن همکار را از این موضوع مطلع کرده و تدابیر اتخاذ شده توسط موکل را در ارتباط با تعیین تکلیف هزینه‌ها و حق الوکاله آن همکار به اطلاع وی رسانده باشد. در عین حال در هر مورد، این وظیفه موجب نمی‌گردد که وکیل جانشین، شخصاً مسؤول پرداخت هزینه‌های انجام شده توسط وکیل سابق و حق الوکاله مربوط به وی تلقی شود.

۵.۶.۲ در صورتی که اقدام فوری در جهت رعایت مصالح موکل اقتضاء کند، وکیل نمی‌تواند بدون رعایت شرایط مذکور در بند ۵.۶.۱ قبول وکالت کرده ولی در اسرع وقت باید وظیفه موضوع بند ۵.۶.۱ اقدام کند.

**۵.۷) مسوولیت مالی**

در روابط حرفه‌ای بین وکلای کشورهای عضو، وکیلی که به همکار خارجی خود، موکلی معرفی می‌کند، شخصاً مسؤول پرداخت حق‌الوکاله، هزینه‌های مربوط در قبال آن همکار می‌باشد. در عین حال وکلای مذکور می‌توانند در بدو شروع همکاری، ترتیب خاص دیگری را مقرر بدارند.

ضمناً وکیل معرف همواره می‌تواند از قبل، مسوولیت آتی خود را در قبال پرداخت‌هایی که به وکیل همکار خارجی باید صورت پذیرد، محدود کند.

**۵.۸) ایجاد زمینه پیشرفت برای وکلای جوان**

شناخت و آگاهی وکلای کشورهای عضو از قوانین و مقررات دادرسی لازم‌الاجرای کشورهای یکدیگر، در تقویت همکاری و ایجاد اعتماد متقابل نقش مهمی را داراست. بدین منظور وکلای هر کشور عضو، در جهت پیشرفت علمی وکلای جوان دیگر کشورها، سعی در انتقال اطلاعات نظام حقوقی خود به آنان در حین انجام وظایف حرفه‌ایشان خواهند نمود.

**۵.۹) دعاوی بین وکلای کشورهای عضو**

- ۵.۹.۱) در صورتی که وکیل معتقد باشد یک قاعده حرفه‌ای توسط همکار دیگر کشور عضو نقض شده، او باید توجه آن همکار را به آن جلب کند.
- ۵.۹.۲) در صورت بروز هر گونه اختلاف شخصی مرتبط با تکالیف حرفه‌ای بین وکلای کشورهای عضو، آنها باید در بدو امر آن را از طریق دوستانه حل و فصل کنند.
- ۵.۹.۳) قبل از اینکه وکیلی در زمینه اختلافات موضوع بندهای ۵.۹.۱ و ۵.۹.۲ در قبال همکار دیگر کشور عضو اقامه دعوی کند، باید کانون‌های متبوعه را مطلع کرده تا آنها در جهت حل و فصل موضوع از طرق مسالمت‌آمیز اقدام کنند.